Superhero High

"This is my cousin's new school. It's called Superhero High. This morning she'll show us around." "First, I'll put my uniform on. This is our headmaster, Mr. Kent's, office." "Hello, have you seen my pen?" "He's very strong." "Let's go to my first class. This is the 'How to get dressed and undressed in a telephone box' class." "Try again Peter." "Wow, and I thought math's was difficult." "Quick the next class is starting." "It's the 'How to see through walls' class." "Okay Rania. How many pens is Brad holding?" "Seven?" "No." "Three?" "No.⁄┪›)) "I can't see any pens." "Try these special glasses." How many pens is Brad holding? (→)) "Well done. That's correct" "This is my favorite class. We learn how to fly in here" "It's lunch time. Let's eat. (1) "You really have a great school. Everything is super!" "Not everything is great. Wait until you taste the food." "I think you need a super chef too!" (1)

دبيرستان قهرمانان

پسر: اینجا مدرسه جدید دخترعموی من است. اسمش دبیرستان ابرقهرمان است. امروز او اینجا را به ما نشان میدهد.

دختر: اول اونیفورمم را میپوشم. اینجا دفتر مدیر مدرسه ما آقای کنت است.

آقای کنت: سلام. خودکار من را ندیدید؟

پسر: او خیلی قوی است.

دختر: بيا به اولين كلاسمان برويم. اين كلاس «چطور در كيوسك تلفن عمومي لباسهايمان را در آوريم و بپوشيم» است.

معلم: بازهم سعی کن پیتر.

پسر: فکر می کردم ریاضی سخت است.

دختر: عجله كن. كلاس بعدى الآن شروع مي شود.

يسر: چه کلاسي است؟

دختر: کلاس «چطور آنطرف دیوار را ببینیم «

معلم: بسیار خوب رانیا. براد چند مداد در دست دارد؟

رانيا: هفتتا؟

معلم: نه.

رانیا: من هیچ مدادی نمیبینم.

معلم: این عینک مخصوص را امتحان کن.

معلم: براد چند مداد در دست دارد؟

رانيا: سه تا؟

معلم: آفرين. درسته.

دختر: این کلاس محبوب من است. ما یاد می گیریم پرواز کنیم.

دختر: وقت ناهار است. بيا باهم غذا بخوريم.

يسر: مدرسه شما واقعاً درجه يک است!

دختر: همه چیز درجه یک نیست.

پسر: فکر کنم به یک سرآشپز درجه یک هم احتیاج دارید!